

حرف ما

حرف اول ما

همیشه وقتی در یک جمع افرادی با گروه‌های سنی متفاوت جمع می‌شوند، معمولاً گروه‌های هم‌سن و سال با همدیگر بیش‌تر ارتباط برقرار می‌کنند. یعنی بعد از گذشت چند دقیقه می‌بینید پیرمردها با هم از خاطرات گذشته و مرحوم فلان کس و حال و هوای قدیم خیابان‌ها و... صحبت می‌کنند. آدم‌های جاافتاده معمولاً از کار و کسب و چک و سفته، فلان کس ورشکست شد و بهمان کس قرار است کجا خانه ویلایی بسازد و... حرف می‌زنند. جوان‌ترها هم از علی دایی و علی کریمی گرفته تا اجاره اینترنت و فلان باشگاه و کنکور... و خلاصه این‌که بچه‌ها هم دنبال بازی‌های کودکانه خودشان هستند. اگر چه شاید برای بعضی‌ها این پسندیده‌تر باشد اما در فرهنگ ما آنچه تحت عنوان شب‌نشینی از قدیم رایج و بسیار با اهمیت می‌نموده است این است که همه جمع می‌شدند یا حافظ می‌خواندند و یا شاهنامه، یا این‌که همه به حرف‌های یک بزرگ‌تر گوش می‌دادند تا از اندیشه‌ها و تجربه‌ها و لطایف زندگی با خبر شوند.

به نظر می‌رسد فایده‌های روش دوم و نقش تربیتی آن بیش‌تر از حالت اولی است. حالا چرا این‌گونه است بماند برای وقتی دیگر.

حرف دوم ما

امروز بعد از گذشت بیست و چند سال از انقلاب و حرکت الهی این نظام و حضور دو یا سه نسل از فرزندان انقلاب احساس می‌شود که نظام ما نیاز به یک شب چراغانی دارد یعنی محفلی که اعضا فامیل انقلاب جمع شوند از کوچک و بزرگ، نسل اولی و نسل دومی.

اگر بخواهیم در این شب‌نشینی خودمانی، به روش دسته اولی‌ها عمل کنیم، نسل اول با هم گپ می‌زنند، نسل دوم با هم و نسل سوم با هم. اما اگر روش دوم را پیش بگیریم، کم‌کم این است که هر سه دسته فامیل انقلاب حرف‌های یک پیر و مرشد را گوش می‌دهند و آن‌گاه است که اصول اولیه بحث توسط هر سه گروه پذیرفته می‌گردد و دیگر کمتر مشکلی میان نسل‌ها با هم دیده می‌شود. پس شب چراغانی انقلاب را سعی کنید همه جا راه بیاندازیم.

حرف سوم ما

نکند بعضی‌ها که از یک نسل خاص هستند خودشان را برتر ببینند که اگر این‌گونه باشد گروه‌های دیگر اصلاً از همراهی با آنان ناامید می‌شوند. بارها شنیده شده که می‌گویند حق با آن‌هاست که طعم شکنجه و زندان را کشیده‌اند یا این‌که می‌گویند فقط باید بچه‌های جنگ حرف بزنند و تازگی‌ها هم می‌گویند مگر ما نسل سومی‌ها دل نداریم هرکس باید سرنوشت خودش را خودش انتخاب کند.

این نتیجه همان انحصارطلبی‌هاست. باید تمام فرزندان انقلاب چه آنهایی که بالای پنجاه سال عمر دارند و شکنجه و زندان و ساواک را دیده‌اند، چه آنان که بالای بیست سال سن دارند و جنگ و جبهه را دیدند و چه آنهایی که متولدین سال ۵۹ به بعد هستند همه باهم زیر یک سقف باصفا بنشینند و با هم صحبت کنند تا قبل از این‌که هر چیز دیگر را ملاک قرار بدهند صفا و صمیمیت سرلوحه آنان قرار گیرد و از این راستا مسایل را حل کنند.

به امید روزی که از شب‌نشینی انقلاب با حضور پیر و مرادمان تنها عشق ببارد و این خانواده صمیمی همیشه دور هم باصفا زندگی کنند و تمام نسل‌ها به باورهای نسل‌های پیشین خود احترام بگذارند.

به مجله دیدار آشنا
خوش آمدید



عزت زیاد
سرمدیر

